

مقدمه بر چاپ دوم



قیمت اشتراک سالانه: در ایران
یک تومان
در سایر ممالک
بئیع فرانک

کَاوَه

۱۳۳۴

این روزنامه هر دو هفته یکبار
نشر میشود
عنوان مرسلات
Redaktion Kaveh:
Berlin-Charlottenburg,
Leibnizstr. 64

• • • دوشنبه ۱۵ شهر یورماه قدیم ۱۲۸۵ یزدگردی = ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۴ هجری = ۲۴ ژانویه ۱۹۱۶ • • •

«کاوَه» یکی از یادگارهای برجسته فرهنگی و نمونه‌های از خدمات با ارزش سید حسن تقی‌زاده است و چون از سالها قبل دوره کامل آن بسیار کمیاب شده بود تجدید طبع آن مورد نظر سرکار خانم عطیه تقی‌زاده (عیال آن مرحوم) قرار گرفت. پس کاوس جهان‌داری، جعفر صمیمی و نویسنده این ستور را موظف و مجاز فرمود که نسبت به چاپ تازه‌ای از آن اقدام کنیم تا دوره کامل کاوَه به شادی روان بنیانگذار دانای آن و به آسانی در اختیار علاقه‌مندان باشد و نسل کنونی بر مضامین و مطالب تحقیقی و ادبی و اجتماعی آن نشریه مطلع شود. موجب نهایت مسرت است که نیت صافی سرکار خانم تقی‌زاده برآورده شد و دوره کامل «کاوَه» به انضمام فهرست مطالبی که برای آن تهیه شد و مقدمه حاضر به چاپ رسید.

نخستین شماره کاوَه که مرحوم تقی‌زاده خود آن را «روزنامه» نامیده است - روز دوشنبه ۱۵ شهر یور ماه قدیم یزدگردی = ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۴ قمری = ۲۴ ژانویه ۱۹۱۶

مسیحی انتشار یافت و دوره کامل آن بدین ترتیب منتشر شده است :

دوره قدیم

- سال نخستین : شماره ۱-۱۷ (۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۴-۵ ربیع الاول ۱۳۳۵) ، هر دو هفته یکبار
- سال دوم : شماره ۱۸-۲۴ (۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۵-۲ ربیع الثانی ۱۳۳۶) ، هر دو هفته یکبار
- سال سوم : شماره ۲۵-۳۳ (۳ جمادی الاولی ۱۳۳۶ - ۱۰ صفر ۱۳۳۷) ، هر دو هفته یکبار
- سال چهارم : شماره ۳۴-۳۵ (۲۸ جمادی الاولی ۱۳۳۸-۱۸ ذی القعدة ۱۳۳۷) ، هر دو هفته یکبار

دوره جدید

- سال اول : شماره ۳۶-۴۷ (غرة جمای الاخره ۱۳۳۸- غرة ربیع الثانی ۱۳۳۹) هر ماه یکبار (۱۲ شماره)
- سال دوم : شماره ۱-۱۲ و يك ورقه فوق العاده (غرة جمادی الاولی ۱۳۳۹ - غرة شعبان ۱۳۴۰) ، هر ماه یکبار (۱۲ شماره)
- علت تأسیس کاوه آن بود که تقی زاده به دعوت دولت آلمان ، برای مبارزه سیاسی با روس و انگلیس از امریکا به برلین آمد و زعامت نهضت عده‌ای از ایرانیان مقیم اروپا را که به « کمیته ملیون ایرانی » مشهور شد برعهده گرفت . تقی زاده برای توفیق در مقصود ، یکی از کارها که انجام داد انتشار مجله کاوه بود . ناگزیر مجله در چهار سال اول کلا و کاملاً جنبه سیاسی داشت . ولی گاهی هم مقالات ادبی در آن به چاپ رسیده است .
- اما از وقتی که آلمان شکست خورد و فعالیت ایرانیان متوقف ماند تقی زاده کاوه را بصورت ادبی و تاریخی درآورد . فقط سرمقاله‌های آن بود که به مسائل اجتماعی و سیاسی ایران اختصاص داشت و اغلب آنها را خود می نوشت . در همین سرمقاله‌هاست که بسیاری از اصول عقاید سیاسی و اجتماعی تقی زاده بی پروا عنوان شده است . در حقیقت افکاری که درین سرمقاله‌ها منعکس شده است دنباله نطقهای مشهوری است که تقی زاده در دوره اول مجلس ایراد می کرد و موجب هیجان و برانگیختن افکار عمومی می شد . سرمقاله‌های کاوه هم در زمان خود همان حالت را داشت . چندانکه عموم منورین و متمایلین به روشنفکری و آزادگی آن عهد به خواندن آن مقالات راغب بودند . البته بعضی از عقایدی که درین سرمقاله‌ها عنوان شده است مانند عبارت معروف « ایران باید ظاهراً و باطناً و جسماً و روحاً فرنگی مآب شود و بس » (شماره ۱ دوره جدید -- ۲۲ ژانویه ۱۹۲۰) موجب گفتگوهای فراوان شد . تقی زاده بعدها در باب آن توضیحاتی اظهار کرد و از جمله نوشت : « البته ما می خواستیم فرنگی مآب بشویم ولی هیچوقت نمی خواستیم فرنگی بشویم . » (مقالات تقی زاده ، جلد سوم ، صفحه ۱۴۱) .
- در نگارش دوره سیاسی کاوه سید محمد علی جمالزاده (به امضای مستعار « شاعرخ ») ،

میرزا محمد خان قزوینی (۱) و ابوالحسن حکیمی (برادر حکیم‌الملک به امضای مستعار منوچهر فرساد (۲)) با تقی زاده همکاری می‌کردند . یاران و دوستان دیگری که در برلین اقامت داشتند و همگام تقی زاده در مبارزات وطنی و سیاسی بودند (مانند عزت‌الله خان هدایت ، سید ابوالحسن علوی ، ابراهیم پور داود ، حسین کاظم زاده ایرانشهر ، رضاتریت ،

۱- میرزا محمد خان از همکاران قلمی تقی‌زاده در کاوه بود. تقی‌زاده در ذیل مقاله‌ای از او (مندرج در شماره ۳۴ کاوه ص ۸) نوشته است :

« جناب ایشان از ابتدای تأسیس این روزنامه کمک قلمی و فکری زیاد به کارکنان این روزنامه کرده‌اند و مقالات و تحریراتی که در کاوه تا حال نوشته‌اند مانند سایر مقالات این روزنامه برطبق قاعده و رسم عمومی ما بی‌امضا درج شده است ، و خصوصاً که از مقوله سیاسی و غیره بوده ... »

قزوینی پس از اینکه از برلین به پاریس رفت همکاری خود را با کاوه ادامه داد . نشانه‌اش بجز چند مقاله‌ای که از او در کاوه چاپ شده است انتقادات مبسوط چند صفحه‌ای است که بر هر یک از شماره‌های جدید کاوه می‌نوشت و برای تقی‌زاده می‌فرستاد . چندتائی از آن انتقادات در اوراق تقی‌زاده موجود است که ان‌شاءالله در یکی از مجلدات از یادداشتهای قزوینی ، به چاپ خواهد رسید .

قزوینی نسبت به ادامه انتشار کاوه بسیار علاقه‌مند بود و همواره این خدمت تقی‌زاده را می‌ستود . مراجعه شود به کتاب « نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده » که به کوشش اینجناب انتشار یافت (تهران ۱۳۵۳) ، صفحات ۶۷ ، ۹۵-۹۸ و چند مورد دیگر .

۲- سید محمد علی جمالزاده در قبال سؤال من که « منوچهر فرساد ، کیست طی‌ناه‌ای نوشت : « منوچهر فرساد امضای مستعار مرحوم ابوالحسن حکیمی (برادر حکیم‌الملک) بود که مدتی به دعوت کمیته ملیون ایرانی به برلن آمد . ولی خدا او را بیمارزد پرتوقع و کم حوصله بود و اقامتش در برلن زیاد طولانی نشد و به لوزان برگشت که از آنجا آمد . ابوالحسن حکیمی روی هم رفته مرد خوب و خیر خواه و مملکت دوستی بود . ابوالحسن حکیمی با من در بیروت در یک مدرسه متوسطه بود (مدرسه آنطورا در جبل لبنان) . ولی قبل از من مدرسه را تمام کرد و به طهران رفت و وقتی من برای تحصیلات عالی به لوزان رفتم او هم بدانجا آمد و با من در دانشگاه لوزان علم حقوق تحصیل کرد . . . میان حکیمی (ابوالحسن) و تقی‌زاده عموماً قدری شکراب بود . گرچه ظاهراً به هم تعارف می‌کردند ولی از همان موقع اقامت کوتاه حکیمی در برلن تکدری حاصل شده بود ... »

در نامه دیگری می‌نویسد : « مقالات در باره روسیه به قلم منوچهر فرساد است (به استثنای دو مقاله بی‌امضا که به قلم جمالزاده است ، چون منوچهر فرساد (ابوالحسن حکیمی) روابطش با کمیته ملی ایرانیان برلن قدری کدر شده بود و عاقبت هم از کمیته جدا شده و به لوزان که در آنجا کاری در یک بانک پیدا کرده بود مراجعت نمود . ولی باز قبل از حرکت آخرین مقاله در باره روسیه به قلم اوست . باید دانست که کمیته ملیون ایرانی در برلن به فریک از اعضای دائمی خود نام مستعاری می‌داد . »

طاهرزاده بهزاد ، اسمعل امیرخیزی و دیگران (۱)) در رواج یافتن روزنامه معاضدت می کرده اند .

يك قسمت از مندرجات کاوه به نشر اخبار جنگ و تحلیل سیاسی وقایع اختصاص داشت . این مقالات ، قسمتی بقلم تقی زاده و قسمتی بقلم سید محمد علی جمالزاده (۲) و قسمتی هم به قلم مرحوم محمد قزوینی است . از قزوینی کتابچه‌ای که حاوی جزئیات اخبار روزانه جنگ است (و به خط آن مرحوم است) ، به لطف مرحوم تقی زاده به دست من رسید که آن را به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (به شماره ۵۴۰۸ مجموعه خطی) سپرده‌ام . این جزوه یادگاری است از اینکه قزوینی برای نوشتن مقالات خود چگونه و با چه دقتی وقایع را ثبت و ضبط می کرده است .

کاوه در میان جراید و مجلات قدیم فارسی ، نخستین نشریه‌ای است که به نقد و معرفی کتب اروپائی پرداخت و عده‌ای از کتب معتبر شرقشناسان را تحت عنوان « بهترین تألیفات فرنگیها در باره ایران » به ایرانیان معرفی کرد . این مقالات بیشتر به قلم جمالزاده است . جزین ، در کاوه ترجمه بعضی از مقالات و فصول کتب مستشرقین منتشر شده است . این کار طبعاً برای آشنائی ایرانیان با روش علمی تحقیقات جدید مؤثر بوده است . اکثر همکاران کاوه و یاران برلین (تقی زاده ، قزوینی ، پورداود ، جمالزاده ، ایرانشهر) به مطالعات شرقشناسی اروپا توجه و عطف نظر داشتند .

تقی زاده با کمکه (Wilhelm Litten) شرقشناس و سیاستمدار آلمانی ، فهرستی از اهم کتب اروپائیان در باره ایران جمع آوری کرد که جداگانه به نام Bibliographie Persische در سال ۱۹۲۰ در برلین نشر شد و اگرچه به نفقه انجمن آلمان و ایران طبع شد در حقیقت اداره روزنامه کاوه ناشر آن بود . (۳) تقی زاده بعلت شدت علاقه به فن کتاب شناسی دنباله این کار را در سالهای بعد رها نکرد . هر کجا و هر وقت کتابی در باره ایران می دید نام آن را به اسلوب فنی کتابشناسی یادداشت می کرد و در جعبه‌هایی نگاه می داشت و

۱- برای اطلاع کامل بر نام و نشان دیگر همکاران تقی زاده و ایرانیانی که در برلین فعالیت می کرده اند به مدارک مذکور در ذیل مراجعه شود :

- [روزنامه اقامت اروپا] بقلم محمد قزوینی ، مندرج در یادداشتهای قزوینی ، جلد نهم .

- وفیات معاصرین بقلم محمد قزوینی ، مندرج در یادداشتهای قزوینی ، جلد هشتم .
- مقاله سید محمد علی جمالزاده در باره « محفل ادبی ایرانیان در برلین » مندرج در مجله راهنمای کتاب ، سال ۱۶ (۱۳۵۲) : ۴۱۵ - ۴۲۴ و ۶۲۲ - ۶۴۵ .

۲- شرح احوال محمد قزوینی در مقدمه « بیست مقاله قزوینی » .
۳- سالنامه آشنایی دانشجوئی در سال ۱۳۵۲ در فهرست همسنگ گویا .
۴- تذکره استاد به خطری که در سال ۱۳۵۲ در شماره ۱۳۵۲ (۱۳۵۲) .
۵- فهرست کتب در اختیار « فهرست کتب در اختیار » .

امید می‌ورزید که روزی به چاپ آن فهرست موفق شود. این کار بزرگ راحتی در دوران کهنولت هم ادامه می‌داد. آخرین باری که به سفر امریکا رفت (۱۳۳۶ شمسی) با همکاری عیال فدا کارش مقادیری بر فهرست خود افزود. در همانجا یحیی ماهیار نوایی را (که به چنین کاری مشغول شده بود) تشویق و به او کمک می‌کرد. فهرست تقی‌زاده به چاپ نرسید و خانمش قسمتی از آن را که در اوراق تقی‌زاده باقی مانده بود پس از وفات آن مرحوم به من سپرد.

در دورهٔ قدیم کاوه یادگارهایی مربوط به گوشه‌هایی از فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان مقیم برلین مندرج است که به سه جریان آن باید اشاره بشود:

یکی تشکیل انجمن آلمان و ایران است که در شمارهٔ ۲۵ و شمارهٔ ۳۸ کاوه (صفحات ۱۸۶ و ۳۱۷) شرحی مربوط بدان آمده است. در همان شماره از جشن ایرانیان مقیم برلین نیز سخن گفته شده است. انجمن ایران و آلمان مجمعی بوده است که در آن عده‌ای از مستشرقان و بزرگان آلمان و اکثر ایرانیان صاحب‌عنوان مقیم برلن (۲) در آن اشتراک داشته‌اند. در میان اوراق تقی‌زاده که با لطف خانم عطیه تقی‌زاده دیده‌ام عکسی از هیأت مدیرهٔ آن انجمن وجود دارد که درین صفحات به یادگار به چاپ رسانیده می‌شود. ورقهٔ اطلاعیه‌ای هم مربوط به این انجمن در اوراق تقی‌زاده به دست آمدنیز درینجا چاپ می‌شود. دیگر تشکیل محفلی است به نام «صحیبه‌های علمی و ادبی»، که خاص تجمع ایرانیان صاحب‌فضیلت و دانش دوست بوده است و در آن مجلس هر بار یکی از فضلاء ایران خطابه‌ای ادبی یا علمی می‌خوانده است.

چند سال پیش دفترچهٔ صورت مجلس مذاکرات هیأت مدیرهٔ آن را در اوراق بازمانده از تقی‌زاده یافتیم و متن آن مذاکرات را (مگر سه چهار عبارت را) در مجلهٔ یغما (۳) به چاپ رسانیدیم و از آقای جمالزاده درخواست کردم که اگر اطلاعاتی در بارهٔ آن می‌توانند بدهند بصورت مقاله بنویسند و بفرستند. ایشان هم شرحی مبسوط و دلپذیر مرقوم داشتند که تحت عنوان «یادگارهایی از روزگار جوانی جمالزاده - محفل ادبی ایرانیان در برلن» در مجلهٔ راهنمای کتاب (۴) به چاپ رسید. این مجمع برای هر جلسهٔ خود ورقهٔ اعلان کوچکی چاپ می‌کرد که چند تا از آن ورقه‌ها را در میان اوراق تقی‌زاده به دست آورده‌ام و تجدید طبع آنها را درین مقدمه بی‌مناسب نمی‌دانم. همه یادگاری است از فعالیت جمعی که دلسوزانه به نشر معارف می‌پرداخته‌اند.

۲- اسامی آنها طبق ورقهٔ مندرج در صفحهٔ ۲۲: میرزا احمد خان - سید ابولحسن علوی - سید محمد عالی جمالزاده - محمد قاسم خان صور - عزت‌الله هدایت - د. خان کافی - کاظم زادهٔ ایرانشهر - میرزا محمد خان قزوینی - سالار معظم - م. ت. سلطانه زاده - مائور محمد تقی خان - سید حسن تقی‌زاده - وحیدالملک.

۳- مجلهٔ یغما، سال ۲۵ (۱۳۵۱)، صفحات ۲۲۰-۲۲۶-۲۸۷-۲۹۰

۴- مجلهٔ راهنمای کتاب، سال ۱۶ (۱۳۵۲)، صفحات ۴۱۵-۴۲۴ و ۶۲۲-۶۴۵

بالاخره مقالات و اخباری است که در باره وضع محصلین ایرانی اروپا در کاوه درج شده است و طبعاً از لحاظ اطلاع بر تاریخ تعلیمات عالیّه و دانشگاهی ایرانیان در خارج از ایران مفید است .

در دوره جدید کاوه (سالهای اول و دوم) که به عبارت بهتر سالهای پنجم و ششم انتشار آن است مقالاتی که در زمینه های ادبی و تاریخی انتشار یافت پیشگام و راهنمای واقعی بود برای تعلیم اسلوب جدید تحقیقات و اعمال روش علمی اروپائی . مخصوصاً سلسله مقالات تقی زاده در باره فردوسی و شاهنامه نمونه برجسته و درجه اول در این طریقه بود . بعلاوه کاوه در آن عهد وسیله ای بود تا جوان دانشمندی مانند عباس اقبال آشتیانی که مقیم تهران بود مقالات تحقیقی خود را در آن مجله به چاپ برساند و مورد تشویق قرار گیرد . اقبال آشتیانی ضمناً مجال یافت که انتقاداتی بر کاوه بنویسد . آن انتقادات همان است که منشی را در « مقالات تقی زاده » (جلد چهارم . ص ۳۶۶ - ۳۸۸) به همراه جوانی که تقی زاده بدو داده و نوشته ای بسیار آموزنده است به چاپ رسانیده ام .

مقصود آن است که مقالات ادبی و تاریخی کاوه که جنبه تحقیقی و علمی دارد در تحقیقات مسائل ایرانی اثر گذاشت و بی تردید تا حدود زیادی سرمشق قرار گرفت .

دیگر از خدمات ملی و مهم کاوه آن مباحثی است که به انتقاد از اسلوب فارسی نویسی آن عهد اختصاص یافته بود و تحت عناوین « فارسی خان والده » و « چهار دوره زبان فارسی » و غیر آنها مطالبی تنبیه انگیز و عبرت آمیز به چاپ رسانیده میشد . این تذکار و اخطار بی تردید در افکار ایرانیان مؤثر واقع شد . همینطورست مطالبی که ذیل عنوان « شب و روز » در مقایسه میان عقائد وهمی و خرافی رایج میان ایرانیان و علوم جدید اروپائی به چاپ می رسید ، مانند آنچه در باره فقه الله و علم اشتقاق گفته شده است .

تقی زاده پس از اینکه در سال ۱۳۲۶ شمسی از اروپا به ایران آمد و در تهران مقیم شد و بقایای اوراق و مدارک مربوط به اداره کاوه را از آلمان به ایران آورد بعضی از نوشته هایی را که از آن ایام در اختیار داشت به استاد حبیب یغمائی داد و در مجله یغما به چاپ رسید ، مانند یادداشتهائی که مرحوم سید ابوالحسن علوی در احوال رجال عصر مشروطیت زیر نظر مرحوم قزوینی و تقی زاده در سال ۱۳۳۶ قمری تهیه کرده بود و احتمالاً قرار بوده است که روزگاری در کاوه به چاپ برسد . (۱)

از همین قبیل است نوشته ای که تقی زاده خود در احوال میرزا تقی خان امیر کبیر نوشته و رقم ۷ از سلسله مقالات « مشاهیر مشرق و مغرب » بدان داده بود تا در دنبال این سلسله مقاله در کاوه به چاپ برسد . ولی با تعطیل کاوه ، آن نوشته ناتمام در اوراق اوباقی می ماند و چون من آن را یافتم ابتدا در مجله یغما و بعد در مقالات تقی زاده ، به چاپ رسانیدم . (۲)

۱- مجله یغما سال پنجم (۱۳۳۱) . این یادداشتهای خود کتابی است حاوی شرح احوال یکصد و شصت و یک نفرست .

۲- مقالات تقی زاده ، جلد پنجم (تهران ، ۲۵۳۵)

بضمیمه عده‌ای از شماره‌های کاوه اجزاء کتاب « تاریخ روابط روس و ایران » تألیف سید محمد علی جمالزاده بتدریج به چاپ رسیده است (ظاهراً فقط ۹۳ صفحه) . چون مؤلف آن در نظر دارد که کتاب را بصورت مکمل و با تجدید نظر بچاپ برساند از تجدید چاپ عکسی و عینی آن همراه کاوه خودداری شد .

کاوه انتشاراتی منفرد و متقل هم داشته است که اسامی آنها چنین است :

- ۱- گنج شایگان اوضاع اقتصادی ایران ، تألیف سید محمد علی جمالزاده . (۱)
 - ۲- کشف تلبیس از روی اسناد محرمانه انگلیس در باب ایران .
 - ۳- مختصر تاریخ مجلس ملی ایران ، تألیف سید حسن تقی زاده . (۲)
 - ۴- جنایت روس و انگلیس نسبت به ایران تألیف براندس دانمارکی .
- در پشت جلد ورقه « فوق‌العاده کاوه » (مورخ غره شعبان ۱۳۴۰ قمری) کتاب « یکی بود یکی نبود » نوشته مشهور سید محمد علی جمالزاده هم از سلسله انتشارات کاوه قلمداد شده است .

کاوه با انتشار « ورقه فوق‌العاده کاوه » که در چهار صفحه و به همان قطع روزنامه کاوه منتشر گردیده تعطیل شد . این ورقه حاوی یادداشتی است تحت عنوان « تعطیل موقتی کاوه » که در آن سبب تعطیل روزنامه « مسافرت مؤسس روزنامه به روسیه برای خدمتی راجع به مملکت ایران » نوشته شده است ، و مراد مأموریتی است که از طرف دولت برای عقد قرارداد تجارتمی و گمرکی با روسیه به تقی‌زاده داده شده بود . مرحوم قزوینی هم در نامه‌های خود به این موضوع اشاره کرده است . (۳)

در میان اوراق تقی‌زاده طرح بنائمی وجود دارد که مرحوم کریم طاهر زاده بهزاد در سال ۱۹۱۹ به عنوان کتابخانه و چاپخانه روزنامه کاوه که در ایران ساخته خواهد شد تهیه دیده بوده است و من عکس آن را در مجله راهنمای کتاب چاپ کردم (۴) و اینک درینجمله به یادگار به چاپ می‌سانم .

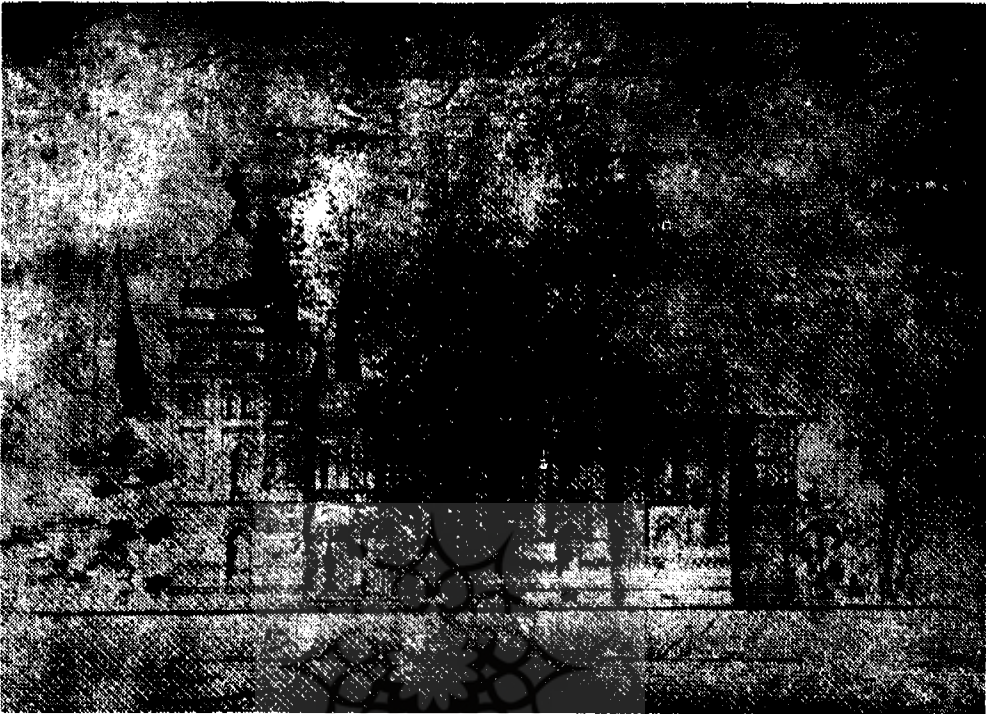
۱- جمالزاده طی نامه‌ای به من نوشته است : « . . . این کتاب را دولت آلمان در همان موقتی که در برلن به زبان فارسی انتشار یافت به زبان آلمانی به ترجمه رسانید و در مقابل حق‌الزحمه کلانی دادند به استاد مشهور علم اقتصاد در دانشگاه برلن پرفسور F. Oppenheimer تا آن را بطور دقیق مورد تجدید نظر قرار داده و مقدمه مفصلی هم بر آن نوشت که هنوز نه به فارسی به ترجمه رسیده و نه در جایی به چاپ رسیده است . »

۲- در جلد پنجم « مقالات تقی‌زاده » بصورت لوحی تجدید چاپ شد .

۳- نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده ، به کوشش ابرج افشار ، تهران ، ۱۳۵۴ ، مخصوصاً

صفحه ۶۵ - ۶۷ .

۴- مجله راهنمای کتاب ، سال ۱۳۵۴ ، شماره ۸ ، صفحه ۱۰۰ ، کوشش سید محمد علی جمالزاده .



طرح طاهرزاده بیهزاد برای کتابخانه و چاپخانه روزنامه کاوه

موقعی که تجدید چاپ کاوه مورد نظر قرار گرفت برای سهولت مراجعه بدان، مناسب دیده شد که فهرستی از مطالب تهیه و بدان الحاق شود. اما چون هر شماره از آن شماره گذاری جداگانه داشت و ارجاع دادن به سال انتشار و شماره روزنامه و شماره صفحه دشوار بود بهتر آن دیده شد که درین چاپ به دوره مجله صفحه شماری مسلسل داده شود و فهرست بر اساس شماره گذاری جدید ترتیب یابد. (۱)

جمالزاده در باره طاهرزاده و طرح او شرحی نوشتند که در همان مجله و همان دوره (صفحات ۶۴۶ - ۴۴۶) به چاپ رسید. ایشان نوشته اند که از آن طرح چیزی به یاد ندارند.

۱- مرحوم محمد قزوینی هم در نامه مورخ ۲ نوامبر ۱۹۳۴ به تقی زاده تفصیلی در باره عیب شماره گذاری مستقل هر شماره مجله نوشتند است که نقل آن مناسب است.
کاوه بدین کتابخانه فهرست که ندارد و شماره بر آن بواسطه عدم تجربه عملی سرکار

نکته دیگر اینکه در موقع فهرست نویسی ملتفت شدم که باید حتی المقدور نام نویسندگان مقالات معین شود. طبعاً یگانه راه مطمئنی که برای تشخیص و تعیین نام نویسندگان مقالات بود استمداد از آقای سید محمد علی جمالزاده بود که ایشان خود از نویسندگان کاوه و از مباشرین انتشار آن بوده‌اند و در اداره امور آن با تقی‌زاده معاضدت و همکاری داشته‌اند. ایشان به لطف تمام مسؤول مرا اجابت کردند و در سه مرحله صورتهایی فرستادند که از تلفیق آنها توانستم نام نویسندگان عده‌ای از مقالات را در فهرست درج کنم (جز آنچه در خود کاوه مشخص شده است). (۱)

→
و همة ماها در خصوص امور مادی و صورتی مجله نگاری که همسان تازه کار بوده‌ایم اولاً يك نمره مسلسل عام از صفحات ندارد از سر تا آخر. بلکه هر نمره‌ای علیحده نمرات صفحات دارد و سپس نمره بعدی با نمرات مستقل صفحات دارد از يك الی شانزده یا کمتر یا بیشتر، و باز نمره سوم نمره صفحات مستقل برای خودش دارد و هكذا و هكذا.

و ثانیاً حتی نمرات خود جریده هم مسلسل نیست. یعنی از نمره يك شروع نمی‌شود الی هر چند پیش برود مثل عموم یا غالب چراید دنیا، بلکه هر سالی نمرات تجدید می‌شود. و ثالثاً مثل اینکه جمیع موجبات اشکال و صعوبت تفتیش را تمدماً و با جایزه و Prix گویا خواسته‌اند فراهم بیاورند. حتی سالهای آن هم مسلسل نیست. یعنی سال اول و سال دوم و سال سوم و هكذا الی آخر السنوات نیست. خیر بعد از سال پنجم يك مرتبه می‌بینید که باز سال اول از دوره جدید شروع می‌شود بطوریکه نتیجه مجموع این اجتماع غریب انواع موانع و اشکالات حواله دادن به صفحات کاوه برای متفحص این شده که باید وقتی که می‌خواهد حواله به مطلبی یا برای یادداشت شخصی خود شخص که دوباره بتواند رجوع کند یا برای حواله دادن قرار کتابی یا مقاله‌ای به یکی از مقالات مندرجه کاوه باید بگوید رجوع کنید به صفحه فلان از نمره فلان از سال فلان از دوره قدیم یا دوره جدید (مثلاً ص ۶ از نمره ۹ از سال پنجم از دوره قدیم یا جدید) و حال آنکه اگر فقط نمره صفحات متسلسل داشت شخص می‌گفت رجوع شود به ص فلان، والسلام...

باری مقصود این است که این مسامحات یا غفلتها که از عدم تجربه عملی جریده نگاری نتیجه شده حالا پس از چهارده پانزده سال از گذشتن این نشریات کار تفتیش و تفحص را حتی برای خود بنده که مو به مو از مندرجات کاوه مسبوق بودم و قدم به قدم آن را پیروی می‌کردم در نهایت صعوبت شده است و جمیع حواشی مجلدات کاوه خودم را کاغذهای برجسته چسبانیده‌ام راجع به مواضع ادبی که هر وقت بخواهم بتوسط آنها شاید بتوانم به مطلوب خود دست یابم. و باز در اعلی اعلی درجه صعوبت است بجهت همین امر جزئی فقدان نمره گذاری صفحات و غیره... (ص ۲۲۴ - ۲۲۵ نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده).

۱- مرحوم تقی‌زاده در نسخه‌ای از کاوه که در اختیار داشت. علائمی به شکل X در آغاز و انجام بعضی از مقالات مهم زده است (شاید بقصد آنکه آنها را در مجموعه‌ای منتشر کند) و قرینه‌ای است بر اینکه آن مقالات به قلم خود اوست. در چاپ کنونی آن علائم واضحاً آمده است (مخصوصاً در دوره جدید).

هر يك از دوازده شماره سال دوم دوره جدید مجله دارای چهار صفحه پشت جلد است. در چاپ کنونی آن پشت جلد‌ها هم به علت دارا بودن مطالبی از قبیل تصحیح اغلاط و توضیحات و طرح مسائل شطرنج و مطالب دیگر عیناً تجدید شده است.

پس از وفات تقی‌زاده اهتمامی به کار رفت تا مقالات و نوشته‌های پراکنده او جمع - آوری و نشر شود. مایه مسرت است که تاکنون پنج مجلد از آنها نشر شده است. (۱) آنچه در آن پنج مجلد به چاپ رسیده مقالات و نوشته‌هایی است که خارج از کاوه به چاپ رسیده است. پس مناسب خواهد بود تمام نوشته‌هایی که تقی‌زاده در کاوه دارد در يك مجلد خاص و در آن سلسله منتشر شود. (۲)

۱- جلد ششم و هفتم به مقالات او در زبانهای فرانسه و انگلیسی و آلمانی اختصاص یافته است.

۲- تفصیل مربوط به نوشته‌های باقیمانده از تقی‌زاده در مقدمه مجلدات «مقالات تقی‌زاده» گفته شده است.

چنان که افتد و دانی

ز سر بدرکنم و عشق گلرخان غوانی
 بخوانم از ورق عمر رفته پند و معانی
 حدیث عشق بشویم مگر ز لوح امانی
 رسید موسم پیری و روزگار نوانی
 وزید بر تن رنجور باد سرد خزانی
 خجل شوم ز خیالات خام و عهد توانی
 ز نغمه‌های دل‌اویش‌شان سماع اغانی
 ز خاطرم نرود روزگار افتد و دانی
 که آشکار کند روی زرد راز نهانی
 که پیر داند مقدار روزگار جوانی،

بر آن سرم که به پیرانه سره‌های جوانی
 ز چهره‌های نگارین نظر به زهد بدوزم
 به گور تیره نسیان سپارم آرزوی دل
 برقت فرصت ایام عاشقی و تنعم
 بهار عمر بی‌ثمرمرد و برگ عیش بخشکید
 ولیک خیل نکویان چو در گذارن آید
 چو با بتان بنشینم به گوش جان بنیوشم
 هنوز با همه بی‌حاصلی و فرصت فایت
 به جهد می‌توانم حدیث شوق بیوشم
 «مرا گناه نباشد نظر به روی جوانان»

مهر داد دبستانی کرمانی